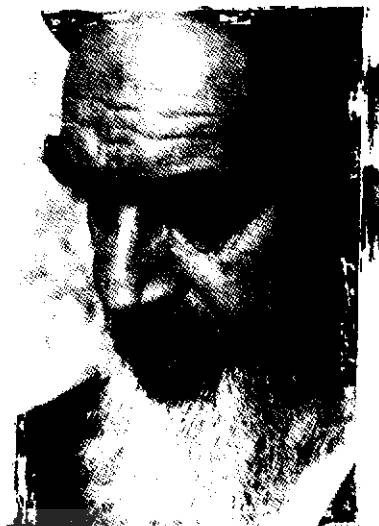


مبلغان و تهذیب نفس در اندیشه امام خمینی (ره)

علی نعیم الدین خانی



اشاره

یکی از اهداف مقدس و مقاصد مهم انبیای حق، تربیت انسان و پرورش روحی و معنوی اوست. دین مبین اسلام نیز که به زیور اکمال و اتمام آراسته شده، می‌کوشد تا برای ایجاد کرامت انسانی و سلامت واقعی، آدمی را از رذایل اخلاقی و امراض نفسانی پاک سازد و شجره طیبه او را به رشد و بالندگی مطلوب برساند.

توجه خاص و اهتمام وافر ثقلین به مسئله تهذیب نفس و تزکیه فردی و جمعی، نشانگر اهمیت این امر است. در این مقاله سعی نگارنده بر آن است

تا با الهام از نصایح گهر بار حضرت امام خمینی (ره) در کتاب شریف «مبارزه با نفس یا جهاد اکبر»، گوشه‌ای از وظیفه خطیر مبلغان و طلاب علوم دینی در زمینه تهذیب نفس را گوشزد کند.

همراهی علم و تزکیه

مهم‌ترین هدف بعثت رسولان الهی و والاترین آرمان اولیاء رحمانی، دعوت آحاد اجتماع بشری به تزکیه و تطهیر نفس و نیل به خداشناسی است. در این میان، طایفه‌ای که بیش از هر کسی مورد خطاب آن بزرگان می‌باشد، طلاب علوم دینی و متولیان هدایت و ارشاد مردم هستند. قرآن کریم فلاح و

رستگاری انسان را تنها در گرو پرهیزکاری و رهسیدن از تاریکی شهوات می‌داند: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّيْهَا»؛ «به راستی، هر کسی که نفس خود را پاک نمود، رستگار شد.»

هر چند در لسان حضرات معصومین علیهم السلام به موضوع کسب علم و دانش توصیه فراوانی شده و حتی از آن با تعبیری چون «فریضه» یاد گردیده است،^۲ اما انسانِ عالم وقتی می‌تواند از شجره علم خویش ثمره مطلوب را بگیرد و دیگران را نیز از فواید آن برخوردار سازد که ظرف علم؛ یعنی عقل و قلب خود را از هر گونه ناخالصی زدوده باشد. در حقیقت، تهذیب باطن، عالم را به سوی عمل به علم فرا می‌خواند و توجه به معنویات، آدمی را به انجام صادقانه اعمال صالح دعوت می‌کند و همین کردار شایسته موجب می‌گردد تا سخنان و کلمات پاکیزه رفعت یابد و به سوی حق و حقیقت پَر کشد: «إِنِّي يَضَعُ الْكَلِمَ الطَّيِّبَ وَالْعَمَلَ الصَّالِحَ يَرْفَعُهُ»^۳؛ «کلام پاکیزه به سوی او بالا می‌رود و عمل شایسته آن را رفعت می‌بخشد.»

چنانچه علم در سینه پاک و مهذب واقع نشود و علم و تزکیه با هم همراه نگردند، نتیجه ارزشمندی عاید انسان نمی‌شود و چه بسا وجود آدمی را به شاخ و برگ شیطانی بارور نماید و به شجره خبیثه مبدل سازد:

«علم وقتی در این مرکز خبیث (نفس تزکیه نشده) وارد شود، شاخ و برگ خبیث به بار آورده، شجره خبیثه می‌شود.»^۴

امام خمینی علیه السلام که پیشتر درس تهذیب و معرفت نفس را نزد صاحب‌دلان کاملی چون جناب آقای شاه‌آبادی علیه السلام آموخته و مصداق بارز عالم عامل بود، فاصله میان «عالم» و «مهذب» را بسیار زیاد می‌داند و متذکر می‌شود که طلاب در کنار تحصیل فروعات دین که برای مبلغان دین لازم و ضروری می‌نماید، نسبت به کسب معنویات و تخلّق به اخلاق الله نیز

۱. شمس/۹.

۲. ر.ک: مشکاة الأنوار، ص ۱۳۵ و مستدرک

الوسائل، ج ۱۷، ص ۲۴۹.

۳. فاطر/۱۰.

۴. مبارزه با نفس یا جهاد اکبر، ص ۲۸.

همت بگمارند و این تکلیف مشکل و بزرگ رابه شکل خوبی به انجام رسانند:

«کسب فضایل و مکارم انسانی و موازین آدمیت از تکالیف بسیار مشکل و بزرگی است که بردوش شما است. گمان نکنید اکنون که مشغول تحصیل علوم شرعیه می‌باشید و فقه که اشرف علوم است، می‌آموزید، دیگر راحتید و به وظایف خود عمل کرده‌اید.»^۱

در اندیشه پویا و متعالی امام راحل علیه السلام کسب علم فقه برای طلاب لازم است، اما کافی نیست. از اینرو، ایشان ضمن تصریح بر تحکیم پایه‌های فقاہت و صاحب نظر شدن در این زمینه، یادآور می‌شود که این گونه علوم، مقدمه دستیابی به نتیجه‌ای ارزشمند می‌باشد: «تحصیل این علوم (فقه و اصول) در واقع مقدمه تهذیب نفس و تحصیل فضایل و آداب و معارف الهی می‌باشد. تا پایان عمر در مقدمه نمانید که نتیجه را رها سازید. شما به منظور هدفی عالی و مقدس که عبارت از خداشناسی و تهذیب نفس می‌باشد، این علوم را فرا می‌گیرید.»^۲

نفس اماره آدمی به صراحت نبوی «أَعْدَىٰ عَدُوِّكَ نَفْسُكَ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْكَ»^۳ بزرگ‌ترین دشمن انسان است که پیوسته همراه اوست و به سوی حب شهوات فرامی‌خواند و به اسفل جهنم طبیعت و مادیت سوق می‌دهد. از اینرو، همگی نیازمند معلم روحانی و مربی خود ساخته‌ای هستیم که همواره ما را متذکر به ذکر خدا سازد و در نیل به آداب معنوی و فضایل انسانی یار و مددکارمان باشد. به همین جهت، آن فقیه فرزانه و عارف یگانه، به فقهای عظام و مُدَرِّسان عالی مقام نیز توصیه می‌کند که در خلال درس و بحث خود به تربیت و تهذیب نفوس همت بگمارند و در کنار ارائه مطالب علمی، مسائل معرفتی و اخلاقی را نیز عرضه دارند تا طلاب با روح و حقیقت اسلام رشد یابند و در عرصه تبلیغ به خوبی ظاهر شوند و با اعمال نیک و رفتار

۱. همان، ص ۲۹.

۲. همان، ص ۳۰.

۳. مجموعه وزام، ج ۱، ص ۵۹. «دشمن‌ترین دشمنان تو، نفس تو است که در خودت قرار دارد.»

حکمت باید مبتنی بر تهذیب نفوس باشد.

نکته مهم دیگری که در آیه وجود دارد، نقش مهم مربی الهی در سیر و سلوک الی الله و نیل به اخلاق و آداب معنوی است. همان گونه که فراگیری علوم کسبی یا نظری نیازمند استاد مجرب و داناست، وصول به معارف حقه دین و فضایل انسانی نیز تنها در پرتو راهنمایی مربیان روحانی و هدایت عالمان ربّانی میسر است:

«چطور شد علم و اصول به
«مدرّس» نیاز دارد، درس و بحث
می خواهد. برای هر علم و صنعتی در
دنیا استاد و مدرّس لازم است، کسی
خودرو و خودسر در رشته ای متخصص
نمی گردد، فقیه و عالم نمی شود، لیکن
علوم معنوی و اخلاقی که هدف بعثت
انبیاء و از لطیف ترین و دقیق ترین علوم
است به تعلیم و تعلّم نیازی ندارد و
خودرو و بدون معلم حاصل
می گردد؟!»^۳

پسندیده خویش به ترویج دین
پردازند و خود و دیگران را از فواید
تزکیه و تهذیب نفس برخوردار
سازند؛ زیرا آنقدر که اعمال خوب
مبلغان و واعظان، مردم را هدایت
نموده، سخنان آنها هدایت نکرده
است. امام صادق علیه السلام در این باره
می فرماید: «كُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِالْخَيْرِ بِغَيْرِ
أَلْسِنَتِكُمْ! مردم را بدون زبانان به خیر
و نیکی دعوت کنید.»

نقش عالمان ربّانی در تهذیب

نفس

خداوند متعال هدف از
برانگیختن رسولان الهی در جامعه را
تلاوت آیات و نشانه های حق و تزکیه
و تعلیم انسانها معرفی کرده است: «هُوَ
الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا
عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ
وَالْحِكْمَةَ»^۱؛ «او کسی است که در میان
أمّیهها پیامبری را از ایشان برانگیخت تا
نشانه هایش را برای آنها بخواند و آنان
را پاک سازد و کتاب و حکمت را
بدیشان بیاموزاند.» در این آیه شریفه،
تزکیه بر تعلیم مقدم شده است و
گویای آن است که تعلیم کتاب و

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۰۵.

۲. جمعه، ۲/.

۳. مبارزه با نفس یا جهاد اکبر، ص ۳۲.

امام همام علیه السلام به خودسازی و تطهیر قلب از محبت دنیا که رأس همه گناهان است، قیام کنند. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي كُنْتُ وَحِبِّ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ وَيَأْتِ كُلَّ بَلِيَّةٍ...^۱ ای مردم! از دوستی دنیا بر حذر باشید که آن سرآمد همه خطاها و در تمام مصیبتهاست.»

زینت اهل بیت علیهم السلام باشیم

به اشارت «أَلُو كَدِّ سِرِّ أَبِيهِ»^۲، هر فرزندی به پدر خود منسوب است و اعمال خوب او مایه سربلندی و خرسندی پدرش را فراهم می سازد و اعمال زشت و پلید او موجب خجلت و ناراحتی پدر می شود. در حدیث است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، فرمود: «أَنَا وَعَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ»^۳؛ من و علی پدران

بزرگانی چون شیخ انصاری رحمته الله به بیان امام راحل علیه السلام در کنار اشتغال به فقه و اصول، معلم اخلاق و معنویات داشته اند^۱ که این امر شاهدی آشکار بر این واقعیت است که آن عالمان فرهیخته به خوبی دریافته اند که مقصد اصلی انبیاء و اولیاء، تربیت انسان است و تازمانی که توجه به معنویات و علوم عملی مربوط به آن در متن زندگی آدمی وارد نشود، به سعادت و آرامش قلبی نایل نمی گردد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله که سرآمد تمام رسولان عظیم الشان به شمار می رود، در بیان فلسفه نبوت خویش می فرماید: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»^۲؛ جز این نیست که برای تمام نمودن مکارم اخلاق مبعوث شدم.»

حضرت امام علیه السلام در این موضوع به معرفی الگویی کامل پرداخته، امام علی بن ابیطالب علیه السلام را بهترین اسوه کمال می داند و به طلاب محترم سفارش می نماید که زندگانی سرشار از زهد و تقوا، فتوت و طهارت، و صداقت و مجاهدت آن حضرت را سرلوحه خویش قرار دهند و با تأسی به سیره آن

۱. همان: «کراراً شنیده ام سید جلیلی، معلم اخلاق و معنویات استاد فقه و اصول، مرحوم شیخ انصاری رحمته الله، بوده است.»
۲. مکارم الأخلاق، ص ۸.
۳. تحف العقول، ص ۲۱۵.
۴. کشف الغممه، ج ۲، ص ۶۵: «فرزند، سر پدرش می باشد.»
۵. علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۲۷.

مستکب شدید به آن حضرت برمی خورد، بر ایشان گران می آید. ممکن است خدای نخواستہ شما را نفرین کند. راضی نشوید که رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام نگران و محزون گردند.^۱»

خصایص و برکات انسان مهذب

حضرت امام علیه السلام در بخش دیگری از سفارشات اخلاقی و معنوی خود، طلاب علوم دینی و مبلغان گرامی را به حُسن معاشرت با مردم توصیه کرده، با اعتقاد به این معنا که مردم عیال خدایند، متذکر می شود که با نظر عطوفت و مهربانی به ایشان بنگرند؛ گناه و زشتی آنان را آشکار نسازند؛ حُسن خلق و خوش رفتاری را پیشه خود نمایند؛ عالمان و صالحان را احترام گذارند و از غیبت کردن دیگران پرهیز کنند؛ جاهلان و نادانان را حرمت بنهند و با روی گشاده با آنها برخورد نمایند:

«با خلق خدا حسن سلوک داشته،

نیکو معاشرت کنید و با نظر عطوفت و

این اُمّتیم.» از اینرو، طلاب و مبلغان دینی باید به این مهم توجه داشته باشند که آنها بیش از دیگران به پدران این امت منسوب هستند و رفتار و گفتار آنان مایه شادمانی و عزّت، و یا برعکس خدایی ناکرده سبب رنجش آن بزرگواران می گردد.

پس شایسته است که هم به شریعت طهارت بخش محمدی ارج بنهیم و در مسیر فقاہت کوشش کنیم و هم به ولایت معرفت بخش علوی توجه نماییم و بر ضراط مستقیم تهذیب و طهارت گام نهیم؛ هم از تنزیل بهره مند شویم، هم به تأویل دین معرفت یابیم؛ عقلمان را با ضیای خورشید شریعت روشنی بخشیم و قلبمان را با نور ولایت منور سازیم؛ با دو بال علم و تهذیب مدارج عالی کمال را بیماییم تا زینت اهل بیت علیهم السلام باشیم و مسرّت و خوشحالی پدران شفیق امت را موجب گردیم:

«شما مربوط به رسول الله صلی الله علیه و آله

هستید، شما با ورود به حوزه های علمیه خود را به فقه اسلام، رسول اکرم و قرآن کریم مرتبط ساخته اید. اگر عمل زشتی

۱. مبارزه با نفس یا جهاد اکبر، ص ۴۹-۴۸.

مهربانی به آنان بنگرید... با بندگان خوب و صالح خدا نیکی کنید: آنان را که عالم‌اند به خاطر علمشان، کسانی را که در صراط هدایت‌اند به خاطر اعمال نیکشان و آنان را که جاهل و نادان‌اند چون بندگان خدایند احترام نمایید؛ خوش رفتاری کنید؛ مهربان باشید؛ صداقت و برادری داشته باشید؛ مهذب شوید، شما که می‌خواهید جامعه‌ای را تهذیب و ارشاد کنید.^۱

قرآن کریم در بیان نشانه بندگان حقیقی خداوند رحمان می‌فرماید: ﴿وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا﴾^۲ «بندگان خدای رحمان کسانی‌اند که به آرامی بر روی زمین راه می‌روند و زمانی که جاهلان آنان را مورد خطاب قرار می‌دهند، [در پاسخ] می‌گویند سلام.»

چنانچه یک عالم مهذب و انسان وارسته در یک منطقه یا محله‌ای زندگی کند، حتی اگر لفظاً هم مبادرت به تبلیغ نورزد، صرف وجود و حرکات و سکناتش باعث هدایت مردم می‌شود؛ به بیان دیگر، همچون

خورشیدی است که بدون اینکه سخنی بر زبان براند، تابش انوار طهارت و پارسایی‌اش فروغ هدایت و بصیرت را بر جان انسانها می‌افکند و گرما بخش وجود حقیقت‌جویان می‌گردد؛ چنان که در روایات اسلامی آمده است که با کسی معاشرت کنید که نگاه کردن به او شما را به یاد خدا بیندازد. رسول اکرم ﷺ، فرمود: «قَالَ الْخَوَارِثُونَ لِعِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا رُوحَ اللَّهِ لِمَنْ تُجَالِسُ؟ فَقَالَ: مَنْ يَذُكُرُكُمْ اللَّهُ رُؤْيَيْتُهُ وَيَزَعِبُكُمْ فِي الْآخِرَةِ عَمَلُهُ وَيَزِيدُ فِي عِلْمِكُمْ مَنْطِقُهُ»^۳؛ حواریون به عیسی ﷺ گفتند: [ای روح خدا!] با چه کسی مجالست کنیم؟ پس حضرت فرمود: با کسی [همنشینی کنید] که دیدنش شما را به یاد خدا آورد و عملش شما را به آخرت راغب سازد و کلامش بر آگاهی شما بیفزاید.»

در اعتقاد امام علیه السلام عالم تزکیه شده و مجاهد میدان مبارزه با نفس چنین خصیصه‌ای را داراست و وجود پاکش مایه تنبه و عبرت دیگران می‌باشد: «اگر

۱. همان، ص ۴۳-۴۲.

۲. فرقان/۶۳.

۳. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۸۹.

به گناهان خود ادامه دهد، آنقدر آن سیاهی زیاد می شود که تمام سفیدی قلب را می پوشاند. پس زمانی که همه آن سپیدی پوشانده شد، دیگر صاحب آن قلب به نیکی راه نمی یابد.»

امام راحل علیه السلام در این باره می فرماید: «اگر در جوانی به فکر اصلاح و ساختن خود نباشید، دیگر در پیری کار از کار گذشته است. تا جوانید فکری کنید، نگذارید پیر و فرسوده شوید. قلب جوان لطیف و ملکوتی است و انگیزه فساد در آن ضعیف می باشد. لیکن هر چه سن بالا رود، ریشه گناه در قلب قوی تر و محکم تر می گردد، تا جایی که کندن آن از دل ممکن نیست.»^۳

«تسویف» یکی از حیل‌های فریبنده شیطان است که به موجب آن انجام کارهای نیک را به آینده و وقت دیگر موکول می کند و در قلب آدمی این گونه القا می نماید که هنوز دیر نشده و زمان کافی برای اعمال صالحی چون تهذیب و خودسازی هست؛

عالم ورع و درستکاری در یک جامعه یا شهر و استانی زندگی کند، وجود او باعث تهذیب و هدایت مردم آن سامان می گردد، اگر چه لفظاً تبلیغ و ارشاد نکند. ما اشخاصی را دیده ایم که وجود آنان مایه پند و عبرت بوده، صرف دیدن و نگاه به آنان باعث تنبّه می شد.»^۱

سخن آخر

بهترین وقت برای تهذیب نفس، هنگام جوانی است؛ زیرا قلب جوان از لطافت بیشتری برخوردار است و به بیان احادیث همچون صفحه سفیدی است که آماده دریافت نور هدایت و یا پذیرش ظلمات گمراهی می باشد. امام باقر علیه السلام فرمود: «مَا مِنْ عَبْدٍ إِلَّا وَفِي قَلْبِهِ نُكْتَةٌ بَيْضَاءٌ فَإِذَا أَذُنَبَ ذَنْبًا حَرَجَ فِي النُّكْتَةِ نُكْتَةٌ سَوْدَاءٌ فَإِنْ تَابَ ذَهَبَ ذَلِكَ السَّوَادُ وَإِنْ تَمَادَى فِي الذُّنُوبِ زَادَ ذَلِكَ السَّوَادَ حَتَّى يَغْطِيَ الْبَيْضَاءَ فَإِذَا غَطَى الْبَيْضَاءَ لَمْ يَرْجِعْ ضَاحِيَةً إِلَى خَيْرٍ أَبَدًا»^۲ هیچ بنده ای نیست مگر اینکه در قلبش نقطه سفیدی وجود دارد. پس هر گاه گناهی را مرتکب شود، در آن نقطه سپید، نقطه ای سیاه خروج می کند. اگر توبه نماید، آن سیاهی بر طرف می شود و اگر

۱. مبارزه با نفس یا جهاد اکبر، ص ۲۷-۲۶.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۳۰۳ و الإختصاص، ص ۲۴۳.

۳. مبارزه با نفس یا جهاد اکبر، ص ۶۱-۶۰.

شیطان آنقدر به این وعده‌های دروغین ادامه می‌دهد تا ایام جوانی سپری شود و اراده لازم برای انجام خوبیها از بین برود: «اگر به فکر تزکیه و ساختن خویش نباشید، هنگام پیری که ضعف، سستی، رخوت و سردی بر جسم و جان شما چیره شد و نیروی اراده، تصمیم و مقاومت را از دست دادید و بارگناه و معصیت، قلب را سیاه‌تر ساخت، چگونه می‌توانید خود را بسازید و مهذب کنید؟»^۱

بنابراین، وظیفه طلاب علوم دینی که در صحنه علم و تبلیغ فعالیت می‌کنند، آن است که هم عقل و اندیشه را با شریعت و فقهت روشنی بخشند و هم قلب و جان خود را با ظهارت و معنویت بیاریند و به زیور «انسان کامل» افتخار یابند؛ هم در عرصه مجاهده با دشمن درونی پیشرو باشند و هم در میدان جهاد با دشمن بیرونی کوشش کنند: «شما موظفید خود را بسازید، انسان کامل شوید و در مقابل نقشه‌های شوم دشمنان اسلام ایستادگی کنید.»^۲

و اینک این مقال را با دعایی نورانی از امام خمینی علیه السلام به پایان

می‌رسانیم. امید است که گفتار نغز آن عزیز سفر کرده را آویزه گوش جان سازیم و آثار معنوی و ماندگار آن اسوه خلوص و تهذیب را ارج نهیم و از معارف و لطایف کتب ارزشمندش توشه‌ها برگیریم و پیش از آنکه فرصت از دست رود، در مسیر جهاد اکبر خالصانه قدم گذاریم و با استمداد از تربیت روحانی صاحب‌دلان و عالمان ربّانی، نفس خویشان را تطهیر نماییم و لایق حضور در جنت عدن ربوبی گردیم که: «جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ جِزَاءُ مَنْ تَزَكَّى»^۳ «بهشت‌های جاوید که از زیر آن نهرها جاری می‌شود، همیشه در آن به سر می‌برند و آن پاداش کسی است که پاک باشد.»

«خداوند متعال... به نسل جوان روحانی و دانشگاهی و به عموم مسلمانان توفیق خودسازی، تهذیب و تزکیه نفس عنایت فرماید.»^۴

۱. همان، ص ۶۰.

۲. همان، ص ۶۳.

۳. طه/۷۶.

۴. مبارزه با نفس یا جهاد اکبر، ص ۶۴.